

کیفرزدایی از جرائم جنسی در حقوق کیفری ایران تجلی حقوق بشر اسلامی

زکیه پهلوان^۱

مریم آقایی بجستانی^۲

محمدامین حقیقت^۳

چکیده

حقوق بشر حقوقی است که از تولد انسان محقق می‌شود و مستقل از حکومت‌هاست در نظام کیفری اسلام علاوه بر اینکه بر جنبه بازدارندگی مجازات‌ها تاکید شده، به ویژه در جرایم جنسی که به حدود الهی معروف هستند سخت‌گیری‌های زیادی شده است، اما جلوه‌های فراوانی از کیفرزدایی نیز مشهود است که می‌توان آنها را به عنوان جلوه‌های حقوق بشری در این کیفرها برشمرد. مواردی چون تعدد شهود یا کیفیت خاص شهادت و اقرار و نیز امکان توبه در شرایط خاص، حاکی از توجه قانون‌گذار به شخصیت انسانی مجرم و حقوق انسانی وی می‌باشد و از طرفی حفظ حقوق مادی و معنوی بشر در کیفرزدایی جرایم جنسی مشهود است چون حفظ کرامت انسانی و آبروی انسان در آن لحاظ و از طرفی رعایت حریم خصوصی برای امنیت بخشی اجتماع مورد مذاقه واقع شده است. در این نوشتار پس از بررسی و تتبع در متون فقه جزایی و آرای فقها به این نکته دست یافتیم که اگر چه در نحوه مجازات‌ها شدت عمل وجود دارد ولی با توجه به دشواری اثبات اینگونه جرایم و شرایط خاص آن و نیز مواردی چون پذیرش توبه در شرایط خاص، هدف، بازدارندگی و توبه‌ی شخص مجرم و تربیت پذیری مجرم و جامعه بوده است.

کلیدواژگان: حقوق بشر، جرائم جنسی، توبه، کیفرزدایی.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)
z.pahlevan6164@gmail.com

۲. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.

مقدمه

اسلام به عنوان مهمترین و کامل ترین دین، خواهان جامعه‌ای سالم و به دور از ظلم و فساد است، خداوند برای اداره‌ی صحیح نظام بشری قوانینی جعل کرده که مبتنی بر مصالح عمومی انسان‌ها است، و هرگونه تعدی به این مصالح و قوانین الهی جرم تلقی شده و قابل مجازات است.

تنها دین اسلام است که نقش بسیار مؤثری در ترویج حقوق بشر دارد. در اندیشه اسلامی انسان به عنوان عضو جامعه علاوه بر آنکه مسئول خویش است در برابر اجتماع و افراد دیگر نیز مسئول است و همین مسئولیت، تکالیفی بر عهده او گذاشته است. به عنوان نمونه حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۲۱۶ و ۲۴۸ می‌فرماید: «و اعظم ما افترض الله سبحانه حق الوالی علی الرعیه و حق الرعیه علی الوالی» بزرگترین چیزی که خداوند تعالی واجب گردانیده است، حق فرماندار بر مردم و حق مردم بر فرماندار است (شهیدی، ۱۳۷۹: ۲۹)

و قرآن کریم انسان را موجودی می‌شمارد که خداوند به وی کرامت بخشیده است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) این کرامت یک ارزش نظری است که بعداً می‌تواند جنبه‌ی عملی پیدا کند. اما نباید گمان کرد که این ارزش نظری در ردیف اعتباریات جای دارد. کریم بودن انسان واقعی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن، که همه اینها مظاهر کرامت خداوندند. این کرامت نظری می‌تواند بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی را نیز به همراه داشته باشد. به دلیل همین کرامت، همه تعالیم اخلاقی و حقوقی باید با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شوند. هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی، امنیت و حق اویند، بلکه باید به گونه‌ای تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۲)

از این رو نظام حقوقی اسلام برای کرامت و حیثیت و حقوق شهروندی انسانها جایگاه بسیار والایی را در نظر گرفته است آیات و روایات بسیاری، لزوم احترام به انسان و ریختن آبروی را از جمله گناهان کبیره شمرده است. همچنان که در روایتی از امام باقر (علیه السلام) آمده است «زنی را با مردی که با او به طور نامشروع آمیزش نموده بود نزد حضرت علی (علیه السلام) آوردند، زن گفت: یا امیرالمومنین به خدا سوگند این مرد مرا به زور وادار کرد، و حضرت در پی ادعا، حد را از او برداشته وی را تبرئه نمود» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۲۸) با این اوصاف شناخت مواردی که اسلام در جهت کیفرزدایی، تخفیف مجازات، عدم اثبات جرم، حفظ کرامت انسانی و محترم

شمرده آبروی مومن قوانین را جعل کرده است، شناخت جنبه‌های حقوق بشری و اهداف این مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام با توجه به تبلیغات سوء بر علیه اسلام ضروری به نظر می‌رسد. با دقت در بندهای اعلامیه حقوق بشر و تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی و کتب فقهی به روشنی مشخص می‌شود که اسلام نه تنها به موارد ملحوظ در این اعلامیه توجه داشته است بلکه گاهی در مورد مجازات‌های جنسی با وضع قوانین سخت همچون افزایش تعداد شهود و اقرار مجرم و... پا را فراتر گذاشته است، برای نمونه در توبه روایاتی که فرد را به جای دعوت به اقرار دعوت به توبه می‌کند گوشه‌ای از توجه اسلام در حفظ آبرو و کرامت انسانی است.

با توجه به اینکه هدف مجازات‌های حدی تأدیب و اصلاح رفتار افراد است نه کیفر کردن و انتقام گرفتن، از این رو در فقه امامیه و قانون مجازات‌های تأدیبی برای سخت کردن اثبات جرایم جنسی از جمله تعدد شهود، کیفیت خاص شهود، مبهم نبودن شهادت شاهدان و مطابقت گفتارشان، توبه و همچنین شرایط خاص اقرار و لزوم تعدد اقرار قرارداد شده است، تا هر عملی منجر به مجازات و جاری شدن حد نشده و کرامت و منزلت انسان حفظ شود و آبروی شخص بی‌گناه به راحتی ریخته نشود و افراد نسبت به یکدیگر در آداب معاشرت حسن ظن داشته باشند تا امنیت اجتماعی که از حقوق شهروندی و از مصادیق حقوق بشر است فراهم شود.

از این رو نگارنده در این مقاله بر آن شده که به بررسی کیفرزدایی از جرائم جنسی در حقوق کیفری ایران که تجلی حقوق بشر اسلامی است بپردازد. و به این سوال پاسخ دهد که جنبه‌ی کیفرزدایی از جرائم جنسی چگونه به دفاع از حقوق بشر می‌پردازد.

در نوشتار حاضر سعی شده تمامی شرایط اثبات جرم‌های جنسی در فقه و قانون مجازات که موجب کیفرزدایی از جرائم جنسی می‌شود بررسی شود زیرا سخت‌گیری در اثبات جرم جنسی موجب کیفرزدایی از جرم شده و از این طریق می‌توان به دفاع از حقوق مادی و حقوق معنوی بشر پرداخت.

صیانت از حقوق شهروندی از مهمترین اموری است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به آن توجه لازم شده و این امر در اصل ۳ بندهای ۳، ۷، ۸ و ۱۴ و اصول ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ...، الی ۴۱ و ۴۶، ۴۷ قانون اساسی منعکس می‌باشد.

مصوبات متعدد شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی از جمله مصوبات جلسات ۵۶۶ و ۵۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی نیز

گویای همین امر است. ریاست محترم جمهوری طی ابلاغیه شماره ۱۶۹۴۹۳ مورخ ۸۷/۹/۲۱ به وزیر وقت کشور دستور دادند که موضوع حقوق شهروندی بطور جدی دنبال گردد که متعاقب آن ستاد صیانت از حقوق شهروندی و حمایت از حریم امنیت عمومی در وزارت کشور شکل گرفت. بدیهی است بدلیل ماهیت عمدتاً فرهنگی صیانت از حقوق شهروندی، ارتقاء شناخت و آگاهی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم پایه و اساس کار است، و لذا مجریان قانون باید کسانی باشند که خود عامل قانون بوده و بعنوان خدمتگزاران به مردم خادم واقعی آنها باشند. بنابراین حفظ و حراست از حقوق و کرامت شهروندان از وظایف اصلی حکومت و دستگاههای تابعه است. احترام و کرامت آحاد جامعه در حد کامل و اجرای دقیق ظرفیتهای قانونی از اصول اساسی و مهمی می باشد که باید مورد توجه لازم قرار گیرد.

در عصر حاضر رعایت حریم حقوق مردم در عرصه های مختلف بعنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می شود. شهروندان عموماً با سلايق و انگیزه های مختلف در جامعه به فعالیت می پردازند. از این رو، اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروههای مختلف جامعه می باشد که تحت نظم و قاعده های قانونی درآید. بدیهی است در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور و اجحاف حاکم شده و سبب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. فلذا، دولتها و نهادهای عمومی در سده های اخیر با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط در پیش گرفته اند.

از سوی دیگر، امروزه مسائل مربوط به جامعه بدلیل افزایش و تنوع ارتباطات و نیازمندیها توسعه فراوانی یافته است. نوع روابط و گستردگی آن باعث شده مسائل مستقل و جدیدی همچون مسئولیت های مدنی و کیفری در جامعه بروز و ظهور داشته باشد. اصلی ترین بحث در حیطه حقوق شهری، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری است. قانون اساسی به عنوان مهمترین منبع قانونی که اصول اساسی حقوق یک دولت در آن تبیین شده و تشکیلات و روابط بین قوای مختلف و قدرت های عمومی و ... را بیان می نماید، متضمن قواعد کلی در خصوص جنبه های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی است. (مرکز صیانت از حقوق شهروندی و عفاف و حجاب - دانشگاه آل طه)

راههای اثبات جرم جنسی که از نظر فقه امامیه اثبات آن بسیار سخت است از طریق شهادت و اقرار صورت می گیرد.

۱. تعدد شهود

از راه‌های ثبوت زنا و دیگر جرائم جنسی، شهادت شهود می‌باشد. فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که جرم زنا با گواهی چهار مرد واجد شرایط شهادت به ثبوت می‌رسد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۲۹۶). ریشه این اتفاق نظر بین فقهای امامیه، آیاتی همچون: «از زنان آنهایی که مرتکب عمل شنیع زنا می‌شوند برای ثبوت آن لازم است چهار مرد از شما متصدی شهادت و گواهی بر آن شوند» (نساء، ۴، آیه ۱۵)، و همچنین آیه سیزدهم از سوره مبارکه ی نور نیز از نظر دلالت بر اعتبار چهار شاهد مرد و در ثبوت زنا قریب به دلالت مذکور است.

طبق فتوای مشهور شیعه که مستند به روایات اهل بیت (علیهم السلام) است (حرعاملی، ۱۴۸، ج ۲۷، ۳۵۱)، زنا با گواهی سه مرد و دو زن نیز ثابت می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ۲۹۶) بنابراین کیفر زنا چه تازیانه، چه سنگسار چنانکه با گواهی چهار مرد به اثبات می‌رسد با گواهی سه مرد و دو زن نیز ثابت می‌شود.

در ماده ۱۹۹ قانون مجازات در مورد نصاب شهادت اینگونه بیان شده است؛ نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد است مگر در زنا، لواط، تفخید و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا ی موجب حد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل لازم است، در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق ثابت می‌شود. همانطور که بیان شد در قانون تنها اجرای حد در صورت حضور چهار شاهد مرد و جمع بودن شهود هنگام اقامه شهادت مدنظر است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۵۳)

بنابر ماده ۲۰۰ قانون مجازات در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می‌شود و موجب حد است.

و از دیدگاه فقه امامیه چنانچه گواهان بر زنا کمتر از عدد معتبر باشند، شهادتشان پذیرفته نمی‌شود و هر یک هشتاد ضربه تازیانه برای تهمتی که زده‌اند می‌خورند و شهادتشان در صورت مذکور علاوه بر این که خاصیت شهادت ندارد، عنوان قذف پیدا می‌کند و حد قذف برای گواهان اجرا می‌شود.

اگر برخی از شهود در حالی که سایر شهود هنوز نیامده‌اند به زنا شهادت دهند، بر آنان حد

قذف جاری می‌شود و منتظر سایر شهود نمی‌مانند تا نصاب کامل شود و اگر دیگران هم بعداً آمدند آنها هم، چون از چهار نفر کمترند حد قذف می‌خورند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۸۹)

در اینجا می‌توان یکی از مصدایق توجه نظام کیفری اسلام به کرامت انسانی مجرم که مورد تاکید اعلامیه جهانی حقوق بشر است را مشاهده کرد، چنان که در ماده ۱۱ حقوق بشر آمده است "هر شخصی متهم به جرمی کیفری، سزاوار و محق است تا زمان اثبات و احراز جرم در برابر قانون، در محکمه‌ای علنی که تمامی حقوق وی در دفاع از خویشتن تضمین شده باشد، بیگناه تلقی شود." بنابر آنچه در این ماده بیان شد در نظام کیفری اسلام خصوصاً جرم‌های حدی سختگیری به اندازه‌ای است که مجرم بیگناه تلقی می‌شود مگر آنکه تعدد شهود با کیفیت خاص اتفاق بیفتد.

صاحب جواهر در توجیه سختگیری شارع در اثبات زنا و... گفته است: «وجه این حکم تنها تعبد است، بلکه این خود از ادله بطلان قیاس است، زیرا قتل با آنکه مهمتر از زنا است با گواهی دو مرد عاقل ثابت می‌شود (نجفی، ۱۴۰۳، ج ۴۱: ۱۵۵)، ولی ایشان در پایان می‌فرمایند: «گاهی گفته می‌شود حکمت ثبوت زنا با چهار گواه این است که شارع می‌خواهد تا آنجا که ممکن است این‌گونه کارها مستور و پوشیده باشد و افراد به آسانی هتک نشوند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۱۵۵)

این نشان از آن دارد که قانون مجازات رعایت حریم خصوصی و حرمت آبروی مومن را از الزامات می‌داند و به راحتی نمی‌توان وارد حریم خصوصی افراد شد و تهمت زنا یا لواط به افراد زد و این قانون برای دفاع از حقوق شهروندی است که باید ادعای جرم جنسی توسط افراد اتهام زننده ثابت شود و گرنه تهمت زدن به جرم جنسی بدون اثبات آن خود جرم است و از نظر قانون مجازات را به همراه دارد. و این نشان از پویایی فقه امامیه و قانون مجازات دارد که همواره حقوق مادی و معنوی بشر را در اثبات جرم و اجرا کردن حدود لحاظ کرده است.

۱-۱. شرایط خاص شهود

از دیدگاه فقه امامیه اوصاف هشتگانه‌ای برای شاهد معتبر است که در صورت فقدان همه و یا یکی از این اوصاف، شهادت پذیرفته نمی‌شود و از اینجا به خوبی یکی دیگر از جنبه‌های کیفرزایی مشخص می‌شود تا هتک حرمت به مؤمن به راحتی صورت نپذیرد و هر فردی نتواند حرز مؤمن را به خطر بیندازد؛ با دقت در این اوصاف مشخص می‌شود اسلام نسبت به قوانین بشری همچون اعلامیه حقوق بشر چقدر دقیق تر و حساس تر عمل کرده است و برای مجازات

مجرم حتی در کیفیت شهود نیز حساسیت به خرج داده است اوصافی که در شهادت معتبر است عبارتند از: ۱- بلوغ ۲- عقل ۳- اسلام به معنی ایمان ۴- طهارت مولود ۵- عدالت ۶- ارتفاع تهمت که به اختصار به تعریف بعضی از موارد می‌پردازیم.

بلوغ و عقل و ایمان و طهارت مولود مفاهیم مشخص هستند، برای روشن شدن مفهوم ارتفاع تهمت مواردی را ذکر می‌کنیم:

الف) با شهادت خویش، جلب منفعتی کند مانند شهادت شریک به نفع شریکش در مورد مالی که با وی مشترک است. ب) با شهادت خود، ضرری را که متوجه اوست از خود دفع کند، مانند شهادت عاقله به فسق شهود در قتل و جرح خطائی. ج) شهادت دشمن علیه دشمنش در صورتی که دشمنی آنان در امر دنیوی باشد. د) شهادت مسائل به کف، یعنی گدا که اینگونه شهادت‌ها پذیرفته نمی‌شود و معیار کلی را از این امثله می‌توان به دست آورد (مهدی گیلانی، ۱۳۶۱: ۵۵)

اما عدالت در تعریف آن گفته‌اند: ملکه نفسانی است که انسان را از معصیت خداوند متعال باز می‌دارد، بنابراین ارتکاب معصیت چه صغیره و چه کبیره، موجب فسق و خروج عدالت است. (خمینی، بی تا، ج ۲، ۴۴۲)؛ در ماده ۱۷۷ قانون مجازات نیز موارد بیان شده، لحاظ شده است. از آنچه بیان شده به خوبی روشن می‌شود که تنها با منتفی شدن یکی از شروط در شاهدان، شهادت بر جرایم جنسی نیز منتفی می‌شود. و این نشان از آن دارد که جرم جنسی با حیثیت و آبروی افراد در ارتباط است از این رو در قانون مجازات برای حفظ و تکریم جامعه‌ی اسلامی برای اثبات جرم جنسی شهادت هر فردی پذیرفته نمی‌شود و فردی که شهادت می‌دهد باید دارای کرامت نفس و اهل ایمان و تقوا باشد و به راحتی آبروی دیگران را به خطر نیندازد.

۱-۲. مبهم نبودن شهادت شاهدان

یکی دیگر از مواردی که در شهادت شهود لازم است مبهم نبودن شهادت و خالی بودن آن از هرگونه شک و شبهه است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۵۰).

اعتبار شهادت به کیفیت مذکور، مشهور بین اعلام شیعه می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۳۲) به عنوان نمونه صاحب شرایع بیان می‌کند: «پس آن فرو بردن آلت مرد در فرج زن نامحرم بدون اینکه عقد کرده باشد یا مالک او باشد یا از روی شبهه باشد و آن پنهان شدن حشفه در جلو یا پشت محقق می‌شود» (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۳۷) امام خمینی (ره) نیز بیان می‌دارد:

«در شهادت شهود بر زنا، تصریح یا مانند آن بر مشاهده دخول در عورت زن مانند میلی که در سرمه‌دان است یا مشاهده بیرون آوردن از عورت زن بدون عقد و بدون ملک و بدون شبهه و بدون اکراه لازم است» (خمینی، بی تا، ج ۲، ۴۶۱).

این امر بین فقهای امامیه مستند به روایات است که به اختصار ذکر می‌گردد: در خبر صحیح، حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «ثبوت حد رجم به این است که چهار نفر بر وی گواهی دهند که می‌دیدند او را داخل و خارج می‌کرده است» (حرعاملی، ۱۴۰۹- الف، ج ۲۸: ۹۴).

همچنین در خبر ابی بصیر آمده است: «زن و مرد متهم به زنا سنگسار نمی‌شوند مگر اینکه چهار نفر گواهی به وقوع جماع دهند که ادخال مانند ادخال میل در سرمه‌دان بوده است» (حرعاملی، ۱۴۰۹- الف، ج ۲۸: ۵).

صاحب جواهر در توجیه سختگیری شارع در اثبات زنا و... گفته است: «وجه این حکم تنها تعبد است، بلکه این خود از ادله بطلان قیاس است، زیرا قتل با آنکه مهمتر از زنا است با گواهی دو مرد عاقل ثابت می‌شود (نجفی، ۱۴۰۳، ج ۴۱: ۱۵۵)، ولی ایشان در پایان می‌فرمایند: «گاهی گفته می‌شود حکمت ثبوت زنا با چهار گواه این است که شارع می‌خواهد تا آنجا که ممکن است این‌گونه کارها مستور و پوشیده باشد و افراد به آسانی هتک نشوند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۱۵۵).
در ماده ۱۸۲ قانون مجازات بیان شده است:

در شهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت‌ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت‌ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند شهادت شرعی محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر گواهی شهود که از نظر تعداد در حد نصابند، به کیفیت مزبور نباشد، سببی برای اقامه حد بر متهم نیست و شهادت آنان عنوان کذب پیدا می‌کند و هر یک از شاهدان هشتاد ضربه تازیانه می‌خورند و شهادتشان بعداً نیز پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه توبه کنند (نور، ۲۴، آیه ۴).

۳-۱. مطابقت گفتار شاهدان

از دیگر مواردی که دلیل بر کیفرزدایی و حفظ کرامت انسانی می‌باشد، منطبق بودن شهادت شهود بر فعل واحد در زمان و مکان واحد می‌باشد (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۵۲) چنانچه اگر

بعضی بر وطی در دُبُر و دیگران شهادتشان بر وطی در قُبُل باشد و یا بعضی گویند روز شنبه این اتفاق افتاد و بعضی بگویند: مثلاً یکشنبه واقع شده و یا بعضی بگویند: این عمل در طبقه پایین و بقیه‌ی شهود اظهار کنند در طبقه بالا واقع شده است شهادتشان پذیرفته نمی‌شود و بر هر یک حد قذف اجرا می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۳۰۱)؛ به عبارت دیگر مشهود به یعنی مورد شهادت از نظر نوع فعل و زمان و مکان باید متحد باشد و گواهی گواهان بر چنین چیزی وارد شود تا مورد قبول گردد و گرنه علاوه بر نداشتن خاصیت شهادت، خاصیت قذف و افتراء را خواهد داشت و الزاماً کیفر قذف بر آنان اقامه می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۹۹).

در ماده ۱۸۳ نیز بیان شده است: شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، اداء شود.

نتیجه آنکه یکی از راههای اثبات جرم جنسی وجود شاهدان، تعدد و شرایط خاص، مبهم نبودن شهادت و مطابقت گفتار شاهدان است، از آنجا که از نظر فقهای امامیه رعایت حریم خصوصی دیگران امری ضروری است و افراد نمی‌توانند به راحتی وارد حریم خصوصی دیگران شوند. بنابراین اثبات جرم جنسی با این معیار بسیار سخت بوده و بیانگر آن است که فقه امامیه بیشتر به دنبال حفظ آبرو و حیثیت و کرامت انساهاست و از این رو به راحتی نمی‌توان جرم جنسی را اثبات کرد و به اجرای مجازات اقدام کرد، زیرا حفظ حقوق مادی و معنوی یک انسان در اسلام بسیار اهمیت دارد.

۲. اقرار با شرایط خاص

برای اثبات جرم جنسی از طریق اقرار شرایطی در نظر گرفته شده است، در صورتی اقرار می‌تواند موجب ثبوت زنا شود که مقرر شروط معتبره زیر را دارا باشد در غیر این صورت اقرارش بدون اثر است: ۱- مقرر بالغ باشد. ۲- عاقل باشد. ۳- حر و آزاد باشد. ۴- اینکه اقرار کننده با اختیار اقرار نماید پس اگر اقرارش از روی اکراه باشد بدون اثر است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۳۳) و در اعتبار این شرط خلاف و اشکالی بین اعلام نیست. امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «کسی که به واسطه سلاح عریان یا حبس یا ترساندن و تهدید اقرار کند، کیفری بر وی نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳: ۱۸۵).

از نظر فقهای شیعه، اقرار به زنا در صورتی طریق اثبات است که مرتکب آن زانی یا زانیه چهار

بار اقرار نماید. برخی از فقهای عظام علاوه بر اعتبار چهار بار، گفته‌اند، معتبر است در چهار جلسه باشد، اصل اعتبار تکرار اقرار در چهار دفعه مورد اتفاق فقهای شیعه است. (محقق حلی، ۱۳۱۸، ج ۲: ۱۳۸) و شرط تعدد مجلس انتفاقی نیست. امام خمینی (ره) بیان کرده‌اند، اقرب ثبوت است و احوط اعتبار چهار جلسه است. (خمینی، بی تا، ج ۴: ۱۸۱).

ماده ۱۶۸-۱۶۹ به شرایط اقرار و ماده ۱۷۲ به تعداد معتبر اقرار که در زنا ۴ بار بوده، اشاره می‌کند. بنابر آنچه گفته شد ثبوت زنا به واسطه اقرار، مشروط به بلوغ است و سایر شروط ذکر شده است در نتیجه، اقرار بچه ناقد نیست و حد بر آنها جاری نمی‌شود. در مورد شرط عقل، نیز کسی که جنون همیشگی دارد با کسی که جنون او ادواری است، در حکم یاد شده تفاوتی وجود ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۲۷).

۱-۲. لزوم تعدد اقرار

اقرار وقتی دلیل و حجت است که هدف از انجام آن کشف حقیقت باشد. نخستین وظیفه‌ی قاضی بررسی و تحقیق در مورد اظهارات و مستندات متهم است، قاضی نمی‌تواند اقرار را در نظر گیرد بدون اینکه هیچ‌گونه شک و تردیدی روی صداقت آن احساس کند، زیرا اصل تعاون و همبستگی، بین افراد یک قوم و قبیله حاکم است، بنابراین صحت اقراری که بتواند دلیل قطعی مجرمیت تلقی گردد، باید مورد توجه و دقت قاضی قرار گیرد تعداد دفعات لازم برای اقراری که بتواند مستند حکم قرار گیرد در جرایم مختلف متفاوت است، در موضوع مورد بحث، جرایم جنسی، اقرار چهاربار است به نحوی که مثلاً در زنا، اقرار هنگامی حجت است که چهار بار در جلسات جداگانه با فاصله زمانی اخذ شود.

بعد از نخستین اقرار، قاضی متهم را برای جلسه دوم دعوت و سپس فرصت تفکر و تأمل به متهم داده می‌شود. چنانچه همان اقرار قبلی در جلسات دوم تجدید شده قاضی دوباره او را برای جلسات دعوت می‌کند. اقرار تا هنگامی که برای چهارمین بار تکرار نشده است، ممکن است پس گرفته شود (گلدوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۴).

در ماده ۱۷۲ قانون مجازات نیز بیان شده است که در جرم‌های زنا، لواط، تفریض و مساحقه چهار بار اقرار لازم است؛ در بین فقهای شیعه دیده نشده کسی قائل باشد به اینکه یک مرتبه اقرار به زنا در ثبوت حد کافی است.

بر مبنای اعتبار چهار مرتبه اقرار در ثبوت زنا، چنانچه کمتر از چهار مرتبه اقرار کند، کیفر حد ثابت نمی‌شود ولی مستوجب تعزیز است زیرا عموم «اقرار للاعقلاء علی انفسهم جایز» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳: ۸۴) یعنی اقرار عقلاء بر ضررشان نافذ است شامل چنین شخصی می‌گردد. چه آنکه با اقرار وی اصل معصیت ثابت است اینکه مستوجب کیفر شرعی زنا نیست به خاطر اجماع و اخبار است که اقرار کمتر از چهار بار را موجب حد ندانسته‌اند به هر حال با اقرار کمتر از چهار بار فسق و معصیت او ثابت و مستحق تعزیز است (محمدی‌گیلانی، ۱۳۶۱: ۴۰). در ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر به جنبه‌ای از این روایات که اشاره به کرامت انسانی و عدم تنزل مقام انسانی دارد می‌پردازد.

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و کلمات فقها بر این نکته تأکید شده است که اگر انسان مرتکب گناهی شد، و لو آن جرم و گناه مستلزم حد باشد، بهتر است که آن را بپوشاند و بین خود و خدای خود توبه کند و خویشتن را در نظر مردم رسوا و مفتضح ننماید و بالاتر آن که طهارتی که از توبه برای وی حاصل می‌شود بهتر است از طهارتی که از اجرای حد برایش پدید می‌آید (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۳۶)، و نه تنها توبه شخص مجرم افضل است که مستحب و افضل آن است که شاهدان جرم نیز، جرم را مستور داشته و شهادت بر آن ندهند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۳۰۷).

تأثیر توبه در حفظ کرامت انسان

قرآن کریم در آیات متعدد، انسانها را به توبه تشویق می‌کند. خداوند توأبین را مساوی با مطهرین قرار داده و در آیه ۲۲۲ سوره بقره می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ «خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد».

در روایات صادره از طرف معصومین (علیهم‌السلام) نیز به توبه و اثرات آن بسیار سفارش شده است.

مشهور فقهای امامیه (موسوی، ۱۴۲۲، ج ۴۱: ۲۲۵) معتقدند که اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب، پس از آن توبه نماید، امام اختیار عفو مجرم را ندارد و باید حد الهی را بر وی جاری سازد، چنانچه صاحب شرایع می‌نویسد:

«و لو تاب بعد قیامها لم یسقط حداً کان أوجماً». (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۴۱) «و اگر

توبه نماید بعد از قیام بینه حد جلد باشد یا رجم ساقط نمی شود.»

عده‌ی معدودی از فقها قائلند: اگر بزهدار بعد از اثبات از طریق شهادت شهود، توبه کند، توبه او توسط امام (علیه السلام) پذیرفته می‌شود و می‌تواند مورد عفو قرار گیرد. شیخ مفید (رحمه الله) یکی از قائلین به این نظریه است.

بنابراین هنگامی که شارع مقدس در اثبات جرمی سخت‌گیری می‌کند و حتی اعتراف کنندگان به آن را به توبه و پرده پوشی توصیه می‌کند روشن است که چه مقصودی از این کار دارد. با این کار از یک سو باب ایراد و اتهام‌های ناروا بسته می‌شود و کرامت و آبروی انسانی حفظ شده و از سوی دیگر قبح ذاتی زنا و دیگر جرائم حدی که آدمی به طور فطری آن را درک می‌کند و شارع مقدس نیز بر آن تکیه دارد محفوظ می‌ماند.

اسلام به عنوان دینی مافوق بشری به تمام ابعاد و زوایایی کرامت انسانی توجه کرده است و در هنگامی که حتی مجرم عمل شنیعی همچون زنا را انجام داده است و پشیمان از عمل خود است، از اینکه عزت و کرامت او در نزد دیگران از بین برود او را توضیه به عدم رسوا کردن خود می‌کند.

تأکید مقررات اسلامی بر پرده پوشی جرائم حدی خصوصاً مفاسد جنسی و جلوگیری از انتشار آن دسته از اعمال خلاف عفت که به صورت پنهانی صورت می‌گیرد، شیوه‌ای است متناسب با قانون طبیعت که طرفدار رعایت حُجب و حیا است. اگر یکی از اهداف جرم انگاری در جرائم جنسی تضمین عفت عمومی و جلوگیری از بی بندوباری‌های جنسی است در زمینه‌ی مجازات آنچه دقیقاً می‌تواند این مقصود را برآورده سازد سخت‌گیری در اثبات جرم است و نه عکس آن. (نوربهاء، ۲۳: ۹)

ماده ۱۱۴ قانون مجازات نیز به سقوط مجازات در اثر توبه قبل از اثبات و جرم و در صورتی که جرم با اقرا ثابت شده باشد، اشاره می‌کند.

سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر کسی مرتکب جرمی شده و برای حاکم شرع هم اثبات نشده، نه اقراری در کار است و نه بینه‌ای اقامه شده است، آیا بر مجرم لازم است که نزد حاکم برود و اقرار کند و آبروی خود را ببرد؟ یا بین خود و خدای خود توبه کند، کافی است؟

آن چه از روایات استفاده می‌شود و فقها نیز به آن تصریح کرده‌اند، در چنین مواردی توبه کافی است و شخص، مکلف به معرفی خود به حاکم شرع نیست، بلکه اختیار توبه بهتر از معرفی نزد حاکم است. (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

حضرت علی (علیه السلام) در مورد زناکاری که چهار بار نزد ایشان به زنا اقرار کرد با ناراحتی فرمود: «مَا أَقْبَحَ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ أَنْ يَأْتِيَ بَعْضَ هَذِهِ الْفَوَاحِشِ فَيَفْضَحَ نَفْسَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْمَلَأِ، أَفَلَا تَابَ فِي بَيْتِهِ، فَوَاللَّهِ لِيُتَوَبَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ إِقَامَتِي عَلَيْهِ الْحَدِّ؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۶) چه قدر زشت است که مردی از میان شما یکی از این اعمال زشت را انجام دهد (سپس با اقرار نزد حاکم) خویش را بین مردم مفتضح کند. چرا در خانه اش توبه نمی کند! به خدا قسم هر آینه توبه ی او بین خود و خدای خود بهتر است از این که با اقامه حد او را تطهیر کنم».

پس بهتر است انسان گناه خویش را به کسی نگوید و با خدای خویش نجوا کند و به سوی او توبه نماید و این توبه سبب پاکی و طهارت او می شود و برای پاک شدن از گناه، نیازی به اقامه حد و اجرای مجازات نیست. با این توبه نه تنها مجازات اخروی، بلکه مجازات دنیوی نیز آموخته می شود. البته اگر این توبه قبل از اثبات جرم باشد، چنین اثری دارد.

امروزه جرم شناسان معتقدند که مجازات و سزادهی مجرم، هدف مطلق نیست؛ بلکه وسیله ای برای اصلاح و بازپروری و یا ارباب اوست و مجازاتها را باید طوری مقرر نمود که بتواند مجرم را که از ضوابط اجتماعی تخلف می کند به آغوش اجتماع بازگرداند، حال اگر با مجرمی برخورد نماییم که پس از ارتکاب عمل، از کرده خویش پشیمان گشته است، به طوری که مصمم است که دگر باره مرتکب چنین عملی نشود و اشتباه خود را جبران نماید و هرگز از قواعد اجتماعی تخلف نکند، دست به کار بیهوده زده ایم؛ زیرا موضوع اعمال مجازات، در واقع سالبه به انتفاء موضوع شده است و ما بدون اعمال مجازات، به هدف خود رسیده ایم. مکتب حیات بخش اسلام، چنین تأسیسی را در حقوق کیفری پیش بینی نموده است و اعمال کیفر را در صورت توبه مجرم، تحت شرائطی منتفی می داند و این، یکی از امتیازات بارز و منحصر به فرد حقوق جزای اسلامی است. (اسلام پور، ۳۹، ص ۸)

توبه، از بنیادهای حقوق جزای اسلامی و یکی از جلوه های حقوق بشری است و در سائر مکاتب کیفری امروزی، نمونه آن دیده نمی شود. در حقوق کیفری اسلام، توبه یکی از امور قانونی معافیت از مجازات محسوب می شود؛ بدین معنا که؛ جرم واقع شده، و مجرم نیز دارای مسئولیت کیفری است؛ اما رعایت پاره ای از مصالح، ایجاب می کند که از مجرم رفع مجازات شود. یعنی با وجود اینکه عمل ارتكابی جرم بوده و مرتکب جرم نیز دارای شرایط مسئولیت کیفری است، اما قانونگذار به علت ندامت و پشیمانی حقیقی مجرم، از مجازات او صرف نظر می کند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مبانی فقهی و آرای فقها به خوبی روشن می‌شود که شارع مقدس تدابیری راهبردی در زمینه کیفرزدایی در نظر گرفته است که این تدابیر جنبه‌هایی از حقوق بشر اسلامی را متجلی می‌سازد در بین مجازات‌ها حدود، از شدت و غلظت بیشتری برخوردار است که به هیچ وجه تعطیل نمی‌شود و اجرای آن نیز فوری است. اما در بین حدود، به ویژه جرایمی که جنبه جنسی دارند مانند: زنا، لواط و مساحقه مشاهده می‌شود که برای حجت اثبات این جرایم شرایطی در نظر گرفته شده است که عملاً اثبات جرم به آسانی اتفاق نیفتد و به عبارت دیگر اثبات جرم در مواردی است که کاملاً مشهود و در حضور جمعی صورت گرفته باشد که عادتاً چنین چیزی ممکن نیست، چون از الزامات فقه امامیه رعایت حریم خصوصی دیگران و حفظ کردن حیثیت و آبروی مومن است. علاوه بر این عدم تشویق به گواهی دادن در جرایم جنسی و عدم تشویق به اقرار مجرم - که حتی در روایات رسول خدا (ص) در حجت عدم اقرار مجرم تلاش داشتند - پذیرش توبه در شرایط خاص، همه دلیل بر تاکید شارع مقدس بر کیفرزدایی می‌باشد. که البته می‌تواند مصداق توجه نظام کیفری اسلام به کرامت انسانی مجرم از یک سو و عدم تنزل مقام انسانی وی باشد که مورد تاکید اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز قرار گرفته است. مواد ۱۱، ۱۰، ۸، ۶، ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه دادرسی عادلانه و حفظ کرامت انسانی عموم بر همین نکته تاکید می‌کند لذا باید گفت هدف مجازات در نظام کیفری اسلام بازدارندگی مجرمین و تلاش در جهت حفظ شان انسانی آنهاست نه خونریزی و سلب حق حیات انسانها آنگونه که دشمنان اسلام تبلیغ می‌کنند.

با توجه به اینکه حیثیت و کرامت انسانی و آبرو و شخصیت انسانها از دیدگاه فقه امامیه دارای جایگاه و ارزش خاصی است و به راحتی نمی‌توان آن را مورد خدشه قرار داد از این رو اثبات جرم جنسی بسیار سخت است تا حقوق مادی و معنوی بشر حفظ شود و به راحتی مورد هجوم قرار نگیرد و این نشان از پویایی فقه امامیه است که همیشه به دنبال حفظ منافع و حقوق بشر بوده است و در آن هیچ نقصی وجود ندارد، برخلاف اعلامیه حقوق بشری که به دست حقوق دانان مادی‌گرا نوشته شده است که برای تنظیم روابط حقوقی انسانها، به عناصر اصلی روح انسان و مختصات تکوینی وی توجه نکردند و تعالیم آفریننده و پروردگار جهان را فراموش کردند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اسلام پور، عسگری (۱۳۸۳). «جایگاه توبه و نقش آن در امور کیفری اسلام»، فصلنامه رواق اندیشه، ش ۳۹.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه (جج ۱۸، ۲۸، ۲۳) چاپ اول. قم: نشر مؤسسه آل البيت.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). فلسفه حقوق بشر، چاپ چهارم، قم: نشر اسراء
۵. رجایی، حسین (۱۳۹۲). توبه و آثار آن از نگاه فقه و حقوق. چاپ اول. قم: دفتر پژوهش های اسلامی - معاونت سلامت و اصلاح و تربیت سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی.
۶. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹). نهج البلاغه، چاپ نهم، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۷. طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل (ط - القدیمه). (ج ۱۵) چاپ اول. قم: مؤسسه آل بیت.
۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). الخلاف (ج ۵)، چاپ اول. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، (ج ۹) چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری.
۱۰. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). بایسته های حقوق جزای عمومی (ج ۱). چاپ نوزدهم. تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.
۱۱. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۱). حقوق کیفری در اسلام. (چاپ اول)، تهران: انتشارات المهدی.
۱۲. محقق حلی، جعفر بن حسن نجم الدین (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الامیه. (ج ۲) چاپ ششم. بی جا: موسسه المطبوعات الدنییه.
۱۳. مرکز صیانت از حقوق شهروندی و عفاف و حجاب - دانشگاه آل طه. <http://aletaha.ac.ir>
۱۴. منصور، جهانگیر (۱۳۹۴). قانون مجازات اسلامی کلیات - حدود - قصاص - دیات مصوب

- ۹۲/۲/۱ و تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات مصوب ۹۲/۲/۱ و
 جرایم رایانه‌ای مصوب ۸۸/۳/۵. چاپ صدوسی و پنجم. تهران: نشر دیدار.
۱۵. موسوی خمینی، روح‌ا... (بی تا). تحریر الوسیله. (ج ۴) چاپ اول. قم: مؤسسه مطبوعات
 دارالعلم.
۱۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲). مبانی التکمله المنهاج. ج ۴۱، چاپ اول. قم:
 موسسه احیاء آثار الامام الخویی (ره).
۱۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (ج ۴۱). چاپ هفتم.
 بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. نوبهار، رحیم (۱۳۷۹). «اهداف مجازات ها در جرائم جنسی مستوجب حد در حقوق
 کیفری اسلام»، فصلنامه مفید، شماره ۲۳.